

مکاشفہ عیسیٰ مسیح — شمارهٔ چہار

اشعیا چہل

Jeff Pippenger

2023-10-23

پیام مکاشفہٴ عیسیٰ مسیح کہ در حال گشودہ شدن است، دربرگیرندہٴ شناسایی واژہٴ عبری ترجمہ شدہ بہ «راستی» است؛ واژہای کہ، از جملہ، نمایانگر شخصیتِ مسیح بہ عنوان الفا و امگا می باشد. آغاز یک چیز کہ نمایانگر پایان آن چیز است، سراسر کتاب مقدس را فراگرفته است، و شخصیتِ مسیح در کتاب مقدس آشکار می شود، زیرا او کلمہ است. الفا و امگا آن عنصر از شخصیتِ مسیح است کہ خود او آن را معرفی می کند، بہ عنوان برہانی بر اینکہ او خداست.

باب چہل اشعیا آغاز روایتی نبوی را رقم می زند کہ تا پایان کتاب اشعیا در باب شصت و شش ادامہ می یابد. این باب با معرفی تسلی دہندہای آغاز می شود کہ فرستادہ می شود، همان کہ مسیح بہ شاگردان وعدہ می دہد تا ایشان را از رفتن خود تسلی بخشد؛ اما آمدن تسلی دہندہ، چنان کہ ہمہ نبوت ہا، کمال تحقق خود را در ایام آخر می یابد. معرفی اشعیا و عیسی از فرارسیدن تسلی دہندہ بہ نومیدی حرکت یکصد و چہل و چہار ہزار تن اشارہ دارد، کہ در 18 ژوئیہ 2020 رخ داد.

با این ہمہ، من حقیقت را بہ شما می گویم؛ برای شما مفید است کہ من بروم؛ زیرا اگر نروم، تسلی دہندہ نزد شما نخواہد آمد؛ اما اگر بروم، او را نزد شما خواہم فرستاد. و چون او بیاید، جہان را دربارہٴ گناہ، و پارسایی، و داوری ملزم خواہد ساخت. یوحنا ۱۶:۷، ۸

واژہای «گناہ، پارسایی و داوری» همان چیزہایی ہستند کہ تسلی دہندہ از آن ہا برای «ملزم ساختن» جہان استفادہ خواہد کرد. واژہای کہ بہ «ملزم ساختن» ترجمہ شدہ است، معنای متقاعد کردن را نیز در بر دارد. این سہ مرحلہ «گناہ، پارسایی و داوری» نمایانگر واژہٴ عبری ای ہستند کہ بہ «حق» ترجمہ شدہ است. آن واژہ از نخستین، سیزدہمین و آخرین حروف الفبای عبری ساختہ شدہ است، و آن واژہ بیانگر این است کہ آفرینندہ ہمہ چیز، اول و آخر، آلفا و امگا است. ہنگامی کہ تسلی دہندہ نزد آن یکصد و چہل و چہار ہزار نومید بیاید، ایشان را، و سپس جہان را، متقاعد خواہد ساخت کہ خدا آلفا و امگا است.

تسلی دہید، تسلی دہید قوم مرا، خدای شما می گوید. یا اورشلیم بہ دلجویی سخن گوید و او را ندا دہید کہ خدمت جنگی او بہ پایان رسیدہ، کہ گناہ او آمرزیدہ شدہ است؛ زیرا از دست خداوند برای تمامی گناہان خویش دوچندان یافتہ است. آوای نداکنندہای در بیابان: راہ خداوند را مہیا سازید، در صحرا شاہراہی برای خدای ما راست کنید. ہر درہای برافراشتہ خواہد شد، و ہر کوہ و تپہای پست خواہد گردید؛ و کژی ہا راست خواہد شد، و ناہمواری ہا ہموار. و جلال خداوند آشکار خواہد شد، و تمامی بشر آن را با ہم خواہند دید؛ زیرا دہان خداوند این را گفتہ است. اشعیا 40:1-5

یہ عبارت آخری ایلپاہ کے قاصد کے کام کی نشان دہی کرتی ہے، جس کی تمثیل ولیم ملر میں پائی گئی تھی، اور ولیم ملر کی تمثیل یوحنا بیتسمہ دینے والے میں پائی گئی تھی، اور یوحنا کی تمثیل ایلپاہ میں پائی گئی تھی، اور ایلپاہ ہی کو ملاکی نے اُس قاصد کے طور پر متعین کیا تھا جو عہد کے قاصد کے لیے راہ تیار کرتا ہے۔ آخری ایلپاہی تحریک میں، جب خداوند تسلی دینے والے کو بھیجتا ہے تاکہ اُن لوگوں کو تقویت دے جو مایوسی کا سامنا کر چکے ہیں اور ایک مہلت کے وقت میں خداوند کا انتظار کر رہے ہیں، تو "خداوند کا جلال ظاہر ہوگا، اور تمام بشر اُسے یکساں طور پر دیکھیں گے۔" خداوند کا "جلال" اُس

کا کردار ہے، اور یسوع مسیح کا مکاشفہ اُس کے کردار کے اُس عنصر کا کھولا جانا ہے جس کی نمائندگی الفا اور اومیگا کے طور پر کی گئی ہے۔ ابتدائی پانچ آیات کے تعارف کے بعد، ”بیابان میں پکارنے والے کی آواز“ خدا سے پوچھتی ہے: ”میں کیا پکاروں؟“

آواز گفت: ندا بدہ. و او گفت: چه چیز را ندا دهم؟ تمامی بشر علف است، و همه جمال آن همچون گل صحراست: علف خشک می شود، گل پژمرده می گردد، زیرا روح خداوند بر آن می وزد؛ به راستی که قوم علف است. علف خشک می شود، گل پژمرده می گردد، لیکن کلام خدای ما تا ابد پایدار خواهد ماند. اشعیا ۴۰:۶-۸

پیام سیرت مسیح، کہ به عنوان الفا و اُمگا بازنمایی شده است، در درون نمادپردازی اسلام قرار داده شده است. در حزقیال سی و هفت، وادی استخوان های مرده نخست به هم گرد آورده می شود، و سپس به وسیله پیام نبوی چهار باد به حیات آورده می شود.

«فرشتگان چهار باد را نگاه داشته اند؛ کہ به صورت اسبی خشمگین مجسم شده است، اسبی کہ می کوشد خود را بر هاند و بر سراسر روی زمین بتازد و در مسیر خویش هلاکت و مرگ به بار آورد.»

”آیا بر همان آستانه جهان ابدی به خواب خواهیم رفت؟ آیا کُند و سرد و مرده خواهیم بود؟ آه، کاش در کلیساهای ما روح و نفس خدا در قوم او دمیده شود تا بر پاهای خویش بایستند و زنده شوند. ما نیاز داریم دریابیم کہ راه تنگ است و دروازه تنگ. اما هنگامی کہ از دروازه تنگ عبور می کنیم، فراخی آن بی حد و حصر است.“ Manuscript Releases، جلد 20، 217.

اسب خشمگین نبوت کتاب مقدس، اسلام است. این اسب خشمگین از انجام کار ویرانگر خود بازداشته شده است، چنان کہ در مکاشفہ هفت با نگاه داشتن چهار باد به وسیله چهار فرشته نشان داده شده است. آنان بازداشته می شوند تا آن گاه کہ صد و چهل و چهار هزار نفر مهر شوند.

او بعد از این چیزها، چهار فرشته را دیدم کہ بر چهار گوشه زمین ایستاده بودند و چهار باد زمین را باز می داشتند، تا بادی بر زمین نوزد، نہ بر دریا و نہ بر هیچ درختی. و فرشته دیگری را دیدم کہ از سوی مشرق بالا می آمد و مهر خدای زنده را داشت؛ و او با آوازی بلند به آن چهار فرشته کہ به ایشان داده شده بود به زمین و دریا آسیب رسانند، ندا درداد، و گفت: به زمین و نہ به دریا و نہ به درختان آسیب مرسانید تا آنکہ بندگان خدای خود را بر پیشانی های ایشان مهر کرده باشیم. مکاشفہ ۷:۱-۳

بازداشتن چهار باد، نشان دهنده مهار شدن اسلام است تا زمانی کہ مهر شدن قوم خدا به انجام رسد. اسلام در مکاشفہ، به صورت سه شیپور آخر از هفت شیپور، و نیز به عنوان سه وای، به تصویر کشیده شده است.

Y contemplé, y oí a un ángel volar por en medio del cielo, diciendo a gran voz: ¡Ay, ay, ay de los moradores de la tierra, a causa de los otros toques de trompeta de los tres ángeles que aún han de tocar! Apocalipsis 8:13

پس از معرفی سه شیپور وای، یوحنا در باب نهم ویژگی های اسلام را مشخص می کند. در آیه چهار باب نهم، فرمانی به اسلام داده می شود کہ در تاریخ ابوبکر، نخستین رهبر پس از محمد، تحقق یافت.

و بدیشان حکم شد کہ به علف زمین و هیچ سبزه و هیچ درخت آسیب نرسانند، بلکه فقط به آن مردمانی کہ مهر خدا را بر پیشانی های خود ندارند. مکاشفہ ۹:۴

یوریا اسمیت، ارتباط ابوبکر را با آیه چهارم مشخص ساخت.

«پس از مرگ محمد، در فرماندهی ابوبکر در سال ۶۳۲ میلادی جانشین او شد؛ او، به محض آنکه اقتدار و حکومت خود را به درستی استوار ساخت، نامه‌ای دوری به قبایل عربستان فرستاد که آنچه در پی می‌آید، بخشی از آن است:

«هنگامی که در جنگ‌های خداوند می‌جنگید، چون مردان رفتار کنید و پشت مگردانید؛ اما مبادا پیروزی شما به خون زنان و کودکان آلوده شود. هیچ درخت خرمایی را نابود نکنید و هیچ کشتزار غله‌ای را مسوزانید. هیچ درخت میوه‌ای را قطع نکنید و به چارپایان هیچ آسیبی مرسانید، مگر آنهایی را که برای خوراک می‌کشید. و هرگاه عهد یا شرطی بستید، بر آن استوار بمانید و به وعده خویش وفادار باشید. و در مسیر خود، کسانی دیندار را خواهید یافت که در صومعه‌ها به عزت زیسته‌اند و مقصودشان آن است که بدین‌گونه خدا را خدمت کنند؛ ایشان را واگذارید، نه آنان را بکشید و نه صومعه‌هایشان را ویران کنید. و گروهی دیگر را خواهید یافت که به کنیسه شیطان تعلق دارند و فرق سرشان تراشیده است؛ زنهار که جمجمه‌هایشان را بشکافید، و تا آن‌گاه که یا محمدی شوند یا جزیه بپردازند، به آنان امان ندهید.» اوریا اسمیت، دانیال و مکاشفه، 500.

یوریا اسمیت در ادامه دو طبقه از مردان را مشخص می‌سازد که می‌بایست به وسیله جنگاوران اسلامی که ابوبکر برای افروختن جنگ علیه روم فرستاد، از یکدیگر متمایز شناخته شوند. یک طبقه را او راهبان کاتولیک می‌داند که در روز یکشنبه عبادت می‌کردند؛ و طبقه دیگر کسانی بودند که در روز هفتم عبادت می‌کردند. اسلام فقط می‌بایست پرستندگان خورشید را مورد حمله قرار دهد. آنچه برای ملاحظات ما مهم‌تر است این است که مردان، خواه نگاه‌داران یکشنبه باشند یا نگاه‌داران سبت، به گونه‌ای نمادین به صورت علف، چیزهای سبز، و درختان نمایش داده شده‌اند. چهار باد در باب هفتم از وزیدن بر علف بازداشته شدند تا زمانی که نگاه‌داران سبت مهر شوند.

فرستاده جنبش یکصد و چهل و چهار هزار از خدا می‌پرسد: «چه را ندا دهم؟» به او گفته شد که پیامش این باشد که کلام خدا تا ابد استوار می‌ماند، و آن پیام باید در بستر بادی که بر علف می‌وزد قرار داده شود. هنگامی که تسلی‌دهنده نزد آن یکصد و چهل و چهار هزار فرستاده می‌شود، که از پیشگویی نافرجام درباره اسلام نومید شده‌اند و پس از آن درمی‌یابند که در زمان درنگ مثل ده باکره قرار دارند، آنگاه تسلی‌دهنده به ایشان اعلام می‌دارد که پیامی که باید عرضه کنند، پیام نقش اسلام در نبوت کتاب مقدس است. فرارسیدن تسلی‌دهنده، در تاریخ زمان درنگ، سبب می‌شود که ایشان برپای بایستند.

اور اُس نے مجھ سے کہا، اے ابن آدم، اپنے پاؤں پر کھڑا ہو جا، اور میں تجھ سے کلام کروں گا۔ اور جب وہ مجھ سے کلام کر رہا تھا تو روح مجھ میں داخل ہوئی، اور اُس نے مجھ میرے پاؤں پر کھڑا کر دیا، تاکہ میں اُس کی سنوں جو مجھ سے کلام کر رہا تھا۔ حزقی ایل 2:1، 2.

आहनि। भजिंदा ठा वेला खे थीअण अह्यां हकिम

و از میان قوم‌ها و قبایل و زبان‌ها و امت‌ها، مردم پیکرهای بی‌جان ایشان را سه روز و نیم خواهند دید و نخواهند گذاشت که پیکرهای بی‌جان ایشان در قبرها نهاده شود. و ساکنان زمین بر ایشان شادی خواهند کرد و به عیش و سرور خواهند پرداخت و برای یکدیگر هدایا خواهند فرستاد، زیرا این دو نبی ساکنان زمین را عذاب می‌دادند. و پس از سه روز و نیم، روح حیات از جانب خدا به ایشان درآمد، و بر پاهای خود ایستادند؛ و خوفی عظیم بر آنان که ایشان را دیدند، فرو افتاد. مکاشفه 9:11-11

دو گام ایستادن، و سپس همچون عَلم برافراشته شدن، در حزقیال باب سی و هفت نیز به تصویر کشیده شده است. گام نخست حزقیال، اعضای بدن استخوان‌های خشک مرده را که در وادی نومیدی‌اند، گرد هم می‌آورد. گام دوم حزقیال، پیام چهار باد است، که همان پیام مهر کردن است، که

ہمان پیام اسلام است.

او بہ من گفت: «ای پسر انسان، آیا این استخوان‌ها می‌توانند زندہ شوئند؟» و من پاسخ دادم: «ای خداوندگار یہوہ، تو می‌دانی.» باز بہ من گفت: «بر این استخوان‌ها نبوت کن و بہ آنها بگو: ای استخوان‌های خشک، کلام خداوند را بشنوید. خداوندگار یہوہ بہ این استخوان‌ها چنین می‌گوید: اینک من روح را در شما داخل خواہم کرد، و زندہ خواہید شد. و بر شما پی‌ہا خواہم نہاد، و گوشت بر شما خواہم رویانید، و شما را بہ پوست خواہم پوشانید، و روح را در شما خواہم گذاشت، و زندہ خواہید شد؛ و خواہید دانست کہ من یہوہ ہستم.» پس چنان کہ مأمور شدہ بودم، نبوت کردم؛ و چون نبوت می‌کردم، آوازی برخاست، و اینک لرزشی پدید آمد، و استخوان‌ہا بہ ہم پیوستند، ہر استخوانی بہ استخوان خود. و چون نگریستم، اینک پی‌ہا و گوشت بر آنها برآمد، و پوست از بالا آنها را پوشانید؛ اما در آنها روحی نبود. آنگاہ بہ من گفت: «بر باد نبوت کن؛ نبوت کن، ای پسر انسان، و بہ باد بگو: خداوندگار یہوہ چنین می‌فرماید: ای روح، از چہار باد بیا و بر این کشتگان بدم، تا زندہ شوند.» پس چنان کہ او مرا امر فرمودہ بود، نبوت کردم، و روح در آنها داخل شد، و زندہ شدند، و بر پاہای خود ایستادند، لشکری بس عظیم. حزقیال 37:10-37:10.

در فراز اشعیا کہ اکنون در دست بررسی ماست، ہنگامی کہ تسلّی‌دہندہ فرامی‌رسد، ایشان بر پای‌ہای خود می‌ایستند؛ سپس بہ عنوان علّمی بر فراز کوهی بلند برافراشتہ می‌شوند و «بشارت» را اعلام می‌کنند، کہ ہمان باران آخر، پیام فرشتہ سوم است.

اے صیّون، جو خوشخبری سناتی ہے، اونچے پہاڑ پر چڑھ جا؛ اے یروشلم، جو خوشخبری سناتی ہے، اپنی آواز زور سے بلند کر؛ اسے بلند کر، مت ڈر؛ یہوداہ کے شہروں سے کہہ، دیکھو، تمہارا خدا! دیکھو، خداوند خدا زور آور ہاتھ کے ساتھ آئے گا، اور اُس کا بازو اُس کے لیے حکومت کرے گا؛ دیکھو، اُس کا اجر اُس کے ساتھ ہے، اور اُس کا صلہ اُس کے حضور ہے۔ وہ چرواہے کی مانند اپنے گلے کی پرورش کرے گا؛ وہ بروپی کو اپنے بازو میں جمع کرے گا، اور انہیں اپنے سینہ میں اٹھائے پھرے گا، اور جو دودھ پلاتی ہیں ان کی نرمی سے راہنمائی کرے گا۔ کس نے پانیوں کو اپنی ہتھیلی میں ناپا، اور آسمان کو پالشت سے ناپا، اور زمین کی خاک کو پیمانہ میں سمیٹا، اور پہاڑوں کو ترازو میں، اور ٹیلوں کو پلوں میں تولتا؟ کس نے خداوند کی روح کی راہنمائی کی، یا اُس کا مشیر ہو کر اُسے سکھایا؟ اُس نے کس کے ساتھ مشورہ کیا، اور کس نے اُسے تعلیم دی، اور انصاف کی راہ میں اُسے سکھایا، اور اُسے معرفت سکھائی، اور فہم کی راہ اُس پر ظاہر کی؟ دیکھو، قومیں ڈول کی ایک بوند کے مانند ہیں، اور ترازو کے باریک غبار کے برابر جانی جاتی ہیں؛ دیکھو، وہ جزیروں کو نہایت حقیر چیز کے مانند اٹھا لیتا ہے۔ اور لبنان جلانے کے لیے کافی نہیں، اور اُس کے حیوان سوختنی قربانی کے لیے کافی نہیں۔ سب قومیں اُس کے حضور بیچ ہیں؛ وہ اُس کے نزدیک نیست سے بھی کمتر اور باطل شمار ہوتی ہیں۔ یسعیاہ 40:9-40:17.

کسانی کہ از قبرهای خود بیرون آمدہ‌اند، ہمچون علّمی برافراشتہ می‌شوند، یا آن‌گونہ کہ اشعیا بیان می‌کند، بہ «کوهی بلند» بردہ می‌شوند. کوه بلند ہمان علّم است، و نمایانگر کسانی است کہ در مدتِ درنگی کہ با نخستین ناکامی ۱۸ ژوئہ ۲۰۲۰ آغاز می‌شود، منتظر خداوند بودند.

یک ہزار تن از نکوہش یک نفر خواہند گریخت؛ و از نکوہش پنج نفر شما خواہید گریخت، تا آن کہ چون علّمی بر فراز کوه، و چون نشانی بر تپہ‌ای برجا بمانید. و از این‌رو خداوند انتظار خواہد کشید تا بر شما فیض فرماید، و از این‌رو سرافراز خواہد شد تا بر شما رحمت آورد؛ زیرا خداوند خدای انصاف است؛ خوشا بہ حال ہمہ آنان کہ منتظر او می‌مانند. اشعیا 30:17، 30:18

در مکاشفہ یازدہم، علّم بہ آسمان بردہ می‌شود.

اور اُنہوں نے آسمان سے ایک بلند آواز سنی جو اُن سے کہہ رہی تھی، یہاں اوپر چلے آؤ۔ پس وہ بادل میں آسمان پر چڑھ گئے؛ اور اُن کے دشمن اُنہیں دیکھتے رہے۔ اور اُسی گھڑی ایک بڑا بھونچال آیا، اور شہر کا دسواں حصہ گر پڑا، اور اُس بھونچال میں سات ہزار آدمی ہلاک ہوئے؛ اور باقی لوگ خوف زدہ ہو گئے، اور آسمان کے خدا کو جلال دینے لگے۔ مکاشفہ 11:12، 13۔

مکاشفہ باب یازدہم مشخص می سازد کہ آن دو شاہد در همان ساعت وقوع زلزله بہ آسمان برداشته می شوند۔ آن زلزله ای کہ در تاریخ گذشته بہ واسطہ انقلاب فرانسه تحقق یافت، نمونہ واژگون شدن ایالات متحدہ در ہنگام قانون یکشنبہ است۔ بنابراین، علّم در ہنگام قانون یکشنبہ برافراشته می شود، و آن گاہ علّم «بشارت» را بہ تمام جہان اعلام می دارد۔

اے تمام جہان کے باشندو، اور زمین کے رہنے والو، دیکھو، جب وہ پہاڑوں پر ایک علم بلند کرے؛ اور جب وہ نرسنگا پھونکے، تو سنو۔ یسعیاہ 18:3۔

نشان ہنگامی «بشارت» را عرضه خواہد کرد کہ «شیپور» نواخته شود۔ پیام واپسین شیپور در مکاشفہ، شیپور ہفتم است کہ سومین وای است، کہ همان اسلام است۔ اشعیا، یوحنا و حزقیال ہمگی دربارہ ایام آخر سخن می گویند، و ہرگز با یکدیگر تناقض ندارند۔

مہر خدا، اتوار کے قانون کے وقت خدا کے لوگوں پر لگائی جاتی ہے۔

»ہیچیک از ما ہرگز مہر خدا را دریافت نخواہد کرد مادامی کہ بر شخصیت ہای ما حتی یک لکہ یا کدورتی باقی باشد۔ بر عہدہ ما نہادہ شدہ است کہ نقایص شخصیت خود را برطرف کنیم و ہیکل جان را از ہر آلودگی پاک سازیم۔ آنگاہ باران آخر بر ما فرو خواہد بارید، همان گونہ کہ باران اول بر شاگردان در روز پنتیکاست فرود آمد....»

”اے بھائیو، تم تیاری کے عظیم کام میں کیا کر رہے ہو؟ جو لوگ دنیا کے ساتھ متحد ہو رہے ہیں، وہ دنیوی سانچے کو قبول کر رہے ہیں اور حیوان کے نشان کے لیے تیار ہو رہے ہیں۔ اور جو اپنے نفس پر بھروسا نہیں رکھتے، جو اپنے آپ کو خدا کے حضور فروتن کرتے ہیں اور سچائی کی فرمانبرداری کے ذریعہ اپنی جانوں کو پاک کرتے ہیں، وہ آسمانی سانچے کو قبول کر رہے ہیں اور اپنی پیشانیوں پر خدا کی مہر کے لیے تیار ہو رہے ہیں۔ جب فرمان جاری ہوگا اور مہر ثبت کر دی جائے گی، تو ان کا کردار ابدیت تک پاک اور بے داغ قائم رہے گا۔“ Testimonies, volume 5, 214–216۔

اگرچہ فرمان در ہنگام قانون یکشنبہ مہر می شود، آنان کہ مہر را دریافت می کنند، باید پیش از قانون یکشنبہ شخصیتی مہیا برای مہر داشتہ باشند؛ زیرا قانون یکشنبہ همان بحرانی است کہ ہمہ بحران ہای کلام خدا بہ سوی آن اشارہ می کنند۔ این همان «بحران» یا «ندا» در نیمہ شب در مثل دہ باکرہ است۔

»شخصیت در بحران آشکار می شود۔ ہنگامی کہ در نیمہ شب آن ندای جدی اعلام کرد: ”اینک داماد می آید؛ بہ استقبال او بیرون آئیید“، باکرگان خفتہ از خواب خود بیدار شدند، و آشکار شد کہ چہ کسانی برای آن واقعہ تدارک دیدہ بودند۔ ہر دو گروہ غافلگیر شدند، اما یکی برای آن وضعیت اضطراری آمادہ بود و دیگری بی آمادگی یافت شد۔ شخصیت بہ وسیلہ اوضاع و احوال آشکار می شود۔ موقعیت ہای بحرانی، جنس حقیقی شخصیت را نمایان می سازند۔ مصیبتی ناگہانی و پیش بینی نشدہ، سوگواری یا بحرانی، بیماری یا اندوہی غیرمنتظرہ، چیزی کہ جان را رو در روی مرگ قرار دہد، حقیقت درونی شخصیت را آشکار خواہد ساخت۔ آشکار خواہد شد کہ آیا ایمان واقعی بہ وعدہ ہای کلام خدا وجود دارد یا نہ۔ آشکار خواہد شد کہ آیا جان بہ وسیلہ فیض پایدار نگاہ داشتہ می شود، و آیا در ظرف چراغ، روغنی ہست یا نہ۔«

»ہمہ با زمانہای آزمون روبہ رو می شوند۔ ما در زیر امتحان و محک خدا چگونه رفتار می کنیم؟ آیا چراغہای ما خاموش می شوند؟ یا همچنان آنہا را فروختہ نگاہ می داریم؟ آیا بہ واسطہ پیوند خود با او کہ لبریز از فیض و راستی است، برای ہر وضعیت اضطراری آمادہ ایم؟ آن پنج باکرہ دانا نتوانستند سیرت خود را بہ آن پنج باکرہ نادان منتقل کنند۔ سیرت باید بہ وسیلہ ما، بہ عنوان اشخاصی منفرد، شکل گیرد۔« 17 Review and Herald، اکتبر 1895۔

باکرہ داناؤں کو پکار بلند ہونے سے پہلے تیل درکار تھا، کیونکہ جب نصف شب کا بحران آ پہنچتا ہے تو تیل حاصل کرنا بہت دیر ہو چکی ہوتی ہے۔

"ایک مایوسی، جنگ اور خونریزی کی روح ہے، اور وہ روح وقت کے بالکل اختتام تک بڑھتی جائے گی۔ جیسے ہی خدا کے لوگ اپنی پیشانیوں پر مہر کیے جائیں گے—یہ کوئی ایسی مہر یا نشان نہیں ہے جو دیکھا جا سکے، بلکہ حق میں ایسا استقرار ہے، ذہنی طور پر بھی اور روحانی طور پر بھی، کہ وہ جنبش نہ کھا سکیں—جیسے ہی خدا کے لوگ مہر کیے جائیں گے اور جھنجھوڑے جانے کے لیے تیار ہوں گے، وہ آپڑے گا۔ حقیقتاً، وہ تو پہلے ہی شروع ہو چکا ہے؛ خدا کے احکام عدالت اب ملک پر نازل ہو رہے ہیں، تاکہ ہمیں تنبیہ ہو، اور ہم جان سکیں کہ کیا آنے والا ہے۔" Manuscript Releases، جلد 1، 249۔

مہر خدا حق میں، فکری اور روحانی دونوں اعتبار سے، ایک راسخ ٹھہراؤ ہے۔ وہ مہر دیکھی نہیں جا سکتی، لیکن علم دیکھا جائے گا، کیونکہ دنیا کو خبردار کرنے کا یہی واحد طریقہ ہے۔ پس ایک وقت ایسا ہوتا ہے جب مہر دیکھی نہیں جا سکتی، اور اس کے بعد اتوار کے قانون کا زمانہ آتا ہے، جہاں مہر کا دیکھا جانا لازم ہے۔

»عمل روح القدس این است کہ جہان را از گناہ، و از عدالت، و از داوری ملزم سازد۔ جہان فقط از راہ دیدن کسانۃ کہ بہ حقیقت ایمان دارند و بہ وسیلہ حقیقت تقدیس شدہ اند، و بر اساس اصولی والا و مقدس عمل می کنند، و بہ گونہ ای والا و متعالی خط تمایز میان کسانۃ را کہ احکام خدا را نگاہ می دارند و آنان را کہ آنہا را زیر پای خود لگد مال می کنند آشکار می سازند، می تواند ہشدار یابد۔ تقدیس روح، تفاوت میان کسانۃ را کہ مہر خدا را دارند و آنان را کہ روز استراحتی جعلی را نگاہ می دارند، مشخص می سازد۔ ہنگامی کہ آزمون فرا رسد، بہ روشنی آشکار خواهد شد کہ نشان وحش چیست۔ آن، نگاہ داشتن روز یکشنبہ است۔ کسانۃ کہ پس از شنیدن حقیقت، همچنان این روز را مقدس می شمارند، امضای انسان گناہ را بر خود دارند؛ همان کہ می پنداشت اوقات و شریعت را تغییر دہد۔« Bible Training School، December 1، 1903۔

مہریں جو اتوار کے قانون سے پہلے حاصل کی جانی لازم ہیں، مسیح کے کردار کی کامل نشوونما ہیں، اور وہ فرشتوں کے سوا کسی کو دکھائی نہیں دیتیں۔ اور وہ مہر جو اتوار کے قانون کے وقت دکھائی دیتی ہے، ان لوگوں میں ظاہر ہوتی ہے جو ساتویں دن کے سبت کی پابندی کرتے ہیں، کیونکہ یہی خدا کے لوگوں کی مہر، یا نشان، ہے۔

تو نیز بہ بنی اسرائیل بگو: بہ راستی سبت ہای مرا نگاہ خواہید داشت، زیرا این نشانہ ای است در میان من و شما در سراسر نسل ہای شما، تا بدانید کہ من یہوہ ہستم کہ شما را تقدیس می کنم۔ خروج 31:13۔

مہر شدن صد و چہل و چہار ہزار تن در ۱۸ ژوئیہ ۲۰۲۰ آغاز شد و باید پیش از قانون یکشنبہ بہ کمال برسد۔

ای تمامی ساکنان جہان و ای باشندگان زمین، چون او علمی بر کواہا برافرازد، بنگرید؛ و چون کرنا بنوازد، بشنوید۔ اشعیا ۱۸:۳

هفت رعدی که اکنون مُهرگشایی شده است، آشکار می‌سازد که تاریخ یک‌صد و چهل و چهار هزار نفر، همان کارِ اعلامِ پیامی است که در چارچوبِ هشدارِ شیپورِ سومین وای قرار داده شده است. شیپورِ اسلام در نبوتِ کتابِ مقدس همان چیزی است که به‌وسیلهٔ علّمی که از قبر برافراشته می‌شود، به صدا درمی‌آید.

چهار نشانِ راهِ هر خطِ اصلاح، که با چهار نشانِ راهِ تاریخ 1840 تا 1844 هم‌راستا هستند، ثابت می‌کنند که هر یک از چهار گامِ هر خطِ اصلاح، همواره دارای یک موضوع واحد است. نخستین نشانِ راه در تاریخ صد و چهل و چهار هزار، که به‌وسیلهٔ 1840 تا 1844 نمایانده شد، اقتداربخشیِ پیام در 11 سپتامبر 2001 بود. آن نشانِ راهِ اسلام بود. دومین نشانِ راهِ تاریخِ موازی برای صد و چهل و چهار هزار، نومی‌دی 18 ژوئیهٔ 2020 بود. آن نشانِ راهِ پیشگویی‌ای دربارهٔ اسلام بود که به‌واسطهٔ به‌کارگیریِ زمانِ فاسد شده بود. سومین نشانِ راه، که فریادِ نیمه‌شب را مشخص می‌سازد، اصلاحِ پیشگوییِ ناکامِ اسلام است. این اصلاح، ردّ به‌کارگیریِ زمان را نمایندگی می‌کند. چهارمین نشانِ راه، قانونِ یکشنبه است، جایی که آن علّمی که برافراشته می‌شود، شیپورِ هفتم را به صدا درمی‌آورد، که همان وایِ سوم است، که همان اسلام است.

اشعیا، بابِ چهل، نقطهٔ آغازِ بیست‌وشش بابِ بعدی را مشخص می‌سازد. آن نقطهٔ آغاز در کتابِ مکاشفه، بابِ یازدهم، قرار دارد؛ آنگاه که آن دو نبی که مردم را عذاب می‌دادند، دوباره به حیات بازگردانده می‌شوند. تسلی‌دهنده ایشان را برمی‌خیزاند و به حالتِ ایستاده درمی‌آورد، و پس از آن به آسمان برده می‌شوند. اشعیا رسولِ ایلِیا را به‌عنوانِ آوایی که در بیابان ندا می‌دهد معرفی می‌کند. آنگاه آن رسول می‌پرسد که پیامِ او چه باید باشد، و در نمادگراییِ نبوی به او گفته می‌شود که پیامِ اسلام، هشدارِ شیپورگونه است که علّم آن را اعلام می‌کند. باین‌حال، تنها راهی که اسلام بتواند به‌عنوانِ شیپورِ هشدار در ایامِ آخر ارائه شود، این است که اسلام گذشته‌شناسانده شود. آغازِ اسلام، آن‌گونه که میلریتیان آن را فهمیده بودند و چنان‌که به‌صورتِ تصویری بر دو نمودارِ مقدسِ حقوقِ ترسیم شده است، باید برای شناساییِ اسلامِ وایِ سوم به کار گرفته شود.

من در روزِ خداوند در روحِ بودم، و از پشتِ سرِ خود آوازیِ عظیم شنیدم، همچون صدایِ شیپور. مکاشفه ۱:۱۰.

یوحنا در مکاشفه صدایِ شیپوری را از پشتِ سرِ خود شنید، و یوحنا نمایندهٔ آن یکصد و چهل و چهار هزار نفر است که صدایی از گذشته را می‌شنوند. آن صدایی که در پشتِ سرِ یوحنا بود، یعنی آنچه نمایانگرِ بانگِ شیپوری از گذشته است، همان فهمِ پیشگامان است که شیپورها را داوری‌های خدا بر ضدِ عبادتِ یکشنبه می‌دانست. چهار شیپورِ نخست بر رومِ بت‌پرستِ فرود آورده شد، در پاسخ به نخستین قانونِ یکشنبه که قسطنطین در سال ۳۲۱ تصویب کرد. شیپورِ پنجم و ششم، که وایِ اول و دوم هستند، نمایانگرِ داوری‌های خدا بر ضدِ رومِ پاپی‌اند، پس از آنکه آن نیز در شورای اورلئان در سال ۵۳۸ قانونی برای یکشنبه وضع کرد. وایِ سومِ اسلام هنگامی فرا می‌رسد که قانونِ یکشنبه در ایالات متحده به تصویب برسد. آنگاه علّم برافراشته می‌شود و نقشِ نبوتیِ اسلام را، بر اساس نقشِ آغازینِ اسلام، مشخص می‌سازد.

پیامی که به‌وسیلهٔ علّمِ اعلام می‌شود، تنها هنگامی می‌تواند استوار گردد که آن پیام در چارچوبِ آلفا و اُمگا قرار داده شود. پس از این مقدمه در بابِ چهلمِ اشعیا، نیرومندترین و مستقیم‌ترین ارائهٔ کتابِ مقدسی خدا به‌عنوانِ آلفا و اُمگا در طی چند بابِ پیپای بیان شده است. آن ابواب، بازنماییِ اشعیا از مکاشفهٔ عیسی مسیح است که «خدا به او داد» تا «بر بندگان خود اموری را که می‌باید به‌زودی واقع شود، ظاهر سازد؛ و آن را به‌وسیلهٔ فرشتهٔ خود فرستاده، بر بندهٔ خود یوحنا اعلام نمود»، و او آن را «در کتابی» نوشت و «آن را به هفت کلیسا» فرستاد.

ما در مقاله بعدی فصل‌های زیر از اشعیا را بررسی خواهیم کرد.

بختور است آن‌که می‌خواند، و آنان که سخنان این نبوت را می‌شنوند و آنچه را در آن نوشته شده است نگاه می‌دارند؛ زیرا وقت نزدیک است. مکاشفه ۱:۳